

از صید ماهی تا پادشاهی

نویسنده:
حمزه سردادور

سرشناسه:	سردادور، حمزه ۱۲۷۵ - ۱۳۴۹.
عنوان و نام پدیدآور:	از صید ماهی تا پادشاهی / نویسنده: حمزه سردادور
مشخصات نشر:	تهران: پر، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری:	۵۱۲ ص.
شابک:	978-964-8007-75-6
وضعیت فهرست‌نویسی:	فیبا
موضوع:	داستان‌های فارسی -- قرن ۱۴
موضوع:	داستان‌های تاریخی
موضوع:	ایران -- تاریخ -- دیلمیان، ۳۲۰ - ۴۴۷ق. -- داستان
رده بندی کنگره:	۱۳۹۴ الف۳ر / ۸۰۹۵ PIR
رده بندی دیویی:	۸۴۳/۶۲
شماره کتابشناسی ملی:	۳۹۶۴۱۹۰

انتشارات پر

- نام کتاب: از صید ماهی تا پادشاهی
- نویسنده: حمزه سردادور
- صفحه‌آرایی: منیر علیزاده
- نوبت چاپ: ۱۳۹۵
- تیراژ: ۵۰۰ نسخه
- قیمت: ۲۵۰۰۰ تومان
- شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۰۰۷-۷۵-۶ ISBN: 978-964-8007-75-6

- آدرس: خ لبافی نژاد، بین خ دانشگاه و فخررازی، پلاک ۱۷۴ واحد ۳
- تلفن: ۶۶۴۶۶۳۶۰ - ۶۶۴۶۶۹۶۵ - ۶۶۴۶۶۲۰۵ - ۹۱۲۳۰۲۵۲۰۵

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۵	سخن ناشر.....
۱۲	۱- مرگ مادر.....
۱۲	۲- تعبیر خواب.....
۲۷	۳- خواستگاری جدید برای خورشید.....
۴۱	۴- جنگ ماکان با اسفار.....
۵۳	۵- سلطنت آل زیار.....
۷۴	۶- خواستگاری مرد آویز از دختر وهسودان.....
۸۲	۷- توطئه وهسودان و کامرو علیه مردآویز.....
۹۷	۸- بنیادگذاری سلطنت آل بویه.....
۱۰۹	۹- فتح اصفهان.....
۱۱۷	۱۰- فتح شیراز.....
۱۳۱	۱۱- قتل مردآویز.....
۱۴۳	۱۲- علی در جستجوی خورشید.....
۱۵۶	۱۳- کامرو در اسارت علی.....
۱۶۹	۱۴- علی و خورشید در کنار هم.....
۱۸۰	۱۵- حمله راهزنان به علی.....
۱۹۴	۱۶- ماجرای گم شدن گردنبند.....
۲۰۵	۱۷- ازدواج علی با خورشید.....
۲۱۴	۱۸- ظلم خلفای عباسی.....
۲۲۴	۱۹- فتح بغداد.....
۲۳۶	۲۰- توطئه قهرمانه.....
۲۴۵	۲۱- دستگیری توطئه کنندگان.....

- ۲۲- دیدار دو دلداده ۲۵۴
- ۲۳- پایان کار معزالدوله ۲۷۲
- ۲۴- در حسرت فرزند ۲۷۴
- ۲۵- کناره‌گیری عمادالدوله و سلطنت عضدالدوله ۲۹۶
- ۲۶- خواستگاری عضدالدوله از فرخنده ۳۰۸
- ۲۷- ازدواج عضدالدوله ۳۲۴
- ۲۸- جنگ عضدالدوله و عزالدوله با البتکین ۳۳۷
- ۲۹- اطاعت از فرمان پدر ۳۵۲
- ۳۰- اتحاد عزالدوله و فخرالدوله ۳۶۲
- ۳۱- جنگ عضدالدوله با عزالدوله ۳۷۵
- ۳۲- فرار فرخنده ۳۸۸
- ۳۳- خیانت به عضدالدوله ۳۹۸
- ۳۴- اتحاد فخرالدوله با قابوس وشمگیر ۴۰۷
- ۳۵- سوءقصد به جان فخرالدوله ۴۲۲
- ۳۶- وصال یار ۴۴۲
- ۳۷- جنگ خانگی در آل بویه ۴۵۷
- ۳۸- پیروزی عضدالدوله بر قابوس وشمگیر ۴۶۴
- ۳۹- اتحاد قابوس و فخرالدوله با نوح بن منصور سامانی ۴۷۷
- ۴۰- مرگ عضدالدوله ۴۹۰
- ۴۱- مرگ فخرالدوله ۴۹۵
- ۴۲- انقراض آل بویه ۵۰۶

سخن ناشر

حمزه سردادور از پاورقی نویسان قدیمی ایرانی است که رمان های تاریخی فراوانی از وی در چند دهه ی اخیر به بازار کتاب راه یافته است و تجدید چاپ های متعدد این آثار نشانگر محبوبیت و عامه پسندی آن ها است. سردادور در سال ۱۲۷۵ هجری شمسی در تبریز به دنیا آمد، وی تحصیلات خود را در مدرسه اقبال که به نام مدرسه روسی شهرت یافته بود به پایان رساند. او چون به زبان روسی تسلط کافی داشت به استخدام بانک استقراض روس درآمد و عازم اصفهان گردید.

از طرفی مرحوم سید ضیاءالدین طباطبایی که روزنامه معتبر و پرطرفدار «رعد» را منتشر می نمود، از حاکم اصفهان تقاضای یک خبرنگار و نماینده را نمود که حمزه سردادور را به وی معرفی نمودند و از همین زمان بود که وی همکاری خود را با مطبوعات آغاز کرد.

استاد حمزه سردادور اولین اثر خود را که ترجمه ای از مستشرق معروف روس «بارتولد» بود به نام جغرافیای تاریخی منتشر نمود که با استقبال بسیار روبرو گردید و از آن زمان همکاری خود با مطبوعات را ادامه داد و مقالات و ترجمه های بسیاری را منتشر کرد.

از دهه بیست تا اواخر دهه چهل در مجله «اطلاعات هفتگی» پاورقی نوشت و از عوامل جذابیت و فروش آن مجله، یکی نیز داستان های پرآب و تاب سردادور بود که پس از پایان چاپ آن ها در مجله، به شکل کتاب نیز در اختیار مخاطبین قرار می گرفت. بیش از پانزده داستان بلند به رشته تحریر درآورد که ابتدا در مطبوعات منتشر شد و بعد بسیاری از آنان به صورت کتاب انتشار یافت که با استقبال فراوان روبرو شد.

برخی از این آثار عبارتند از: زندانی قلعه قهقهه، از صید ماهی تا پادشاهی، در پس پرده، مه‌لقا، آزاد زنان، کیمیاگران، دختر قهرمان، افسانه‌ی قاجار، بانوی سربدار و... وی در داستان‌سرایی بسیار چیره دست بود و بسیار زیبا با کلمات بازی می‌کرد و داستانی را خلق می‌نمود. از خصوصیات فردی وی می‌توان به مهربانی، پاکی و خوش‌قلبی اشاره کرد. سرانجام مرحوم استاد حمزه سردادور در تاریخ ۱۳۴۹/۱۱/۲۰ در سن ۷۴ سالگی درگذشت.

از کتب مهم رمان تاریخی اثر حمزه سردادور می‌توان به کتاب (از صید ماهی تا پادشاهی) اشاره کرد. سردادور برای خلق رمان‌های خود همواره حوادث تاریخی دوره‌های مختلف را با تخیل درآمیخته و روایت‌هایی جذاب و پرکشش برای خوانندگان خود تدارک می‌دید. نثر او در عین برخورداری از لغات بعضاً کهنه (متناسب با مضمون تاریخی این آثار)، روان و استوار است و این به خاطر احاطه‌ای است که به زبان فارسی و نوشتن نثر فارسی دارد. در این رمان تاریخی نیز بستری را برای شرح داستانی پرفتوحیز، ماجراجویانه و در عین حال عاشقانه قرار داده و اثری سرگرم‌کننده را پیش روی مخاطب گذاشته است. شرح ماجراهایی که حول محور بلندپروازی‌های جوانان در عهد آل‌بویه شکل می‌گیرد و با مایه‌های عاشقانه درمی‌آمیزد. در واقع این رمان شرح به قدرت رسیدن خاندان آل‌بویه است که خود را از تبار ساسانیان دانسته و در عین ماهیگیری در فکر کسب قدرت هستند و...

همت بلنددار که مردان روزگار
از همت بلند بجایی رسیده‌اند

۱ مرگ مادر

در یکی از آبادی‌های خطه دیلم سرزمینی که در جوار گیلان و دامنه سلسله البرز واقع بود سه برادر نوجوان به نام‌های علی، حسن و احمد غالب روزها برای صید ماهی به کنار دریا می‌رفتند و ماهی‌های صید شده را به پدر خود ابوشجاع بویه تحویل می‌دادند، او هم با فروش آن‌ها بخور و نمیری فراهم می‌ساخت و خانواده را اداره می‌کرد. سن علی تقریباً بیست، حسن هجده و احمد شانزده سال بود.

آن روز که به قصد کنار دریا از کلبه محقر خود بیرون آمدند، علی جلوی در توقف نمود و رو به دو برادر خود کرد و گفت:

شما بروید. من کار مختصری دارم که باید انجام بدهم تا شما تورها را مرتب کنید، خودم را می‌رسانم. حسن و احمد دزدیده از نظر علی، چشمک‌هایی رد و بدل کردند و تبسم به لب آورده به راه افتادند.

همین که حسن و احمد از نظر ناپدید شدند. علی راه را کج کرده و متفکر و اندیشناک به سوی جنگلی که در آن نزدیکی بود حرکت کرد.

معمولاً جوانان دل‌باخته وقتی به دیدار دلدار می‌روند نوعی وجد و شعف روح پرور احساس می‌کنند ولی آن روز علی به جهاتی گرفته و پریشان بود.

آیا نسبت به وفاداری نامزد خود مشکوک شده بود؟ می‌دانست و یقین داشت که نامزدش خورشید، او را از جان و دل دوست دارد. پس از چه رو بدان سان افسرده و اندوهناک بود؟ آن‌چه جوان دل‌باخته را رنج می‌داد و آزرده می‌ساخت یأس و ناامیدی از وصال یار بود.

از دیشب که آن خبر محنت اثر را شنیده بود آرام و قرار از کف داده و در دریای غم و غصه دست و پا می‌زد. شهریار بن رستم، پدر دختر که از بزرگان دیلم و با ابوشجاع پدر علی دوست بود، شب گذشته به خانه آن‌ها آمده و گفته بود که در نظر دارد تا چند روز دیگر با زن و دختر خود رهسپار قزوین بشود و دخترش خورشید را به پسر (هرمز بن کاوس) که از سرداران دیلم